

نقد و بررسی نقش فریضه محور مفهوم صلاه در گزینش سوره حمد

به عنوان نخستین سوره نازل

سیدمحمدرضا حسینی‌نیا^۱

مهدی اکبرنژاد^۲

کیومرث رجبی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳، صفحه ۳۲ تا ۴۹ (مقاله پژوهشی)

چکیده

موضوع نخستین آیه و سوره نازل شده از جمله مباحث اختلافی در حوزه مباحث علوم قرآنی می‌باشد. فرض وجوب نماز در ابتدای بعثت با عنایت به نقشی فقهی که قرائت سوره حمد دارد، از جمله قوی‌ترین شاخصه‌هایی است، که در ترجیح سوره حمد به عنوان نخستین سوره نازل مورد استفاده قرار گرفته است. در این نوشتار که با روش توصیفی تحلیلی سامان پذیرفته، شواهد نقلی مبنی بر وجوب نماز در ابتدای بعثت، و نقش عنصری سوره حمد که محتوای فریضه بودن این مفهوم را شکل داده، به عنوان فرضی از پیش تثبیت شده، با توجه به شواهد و قراین تاریخی، سیاق قرآنی و... به چالش کشیده می‌شود. بنابراین برای کشف نخستین نازل قرآن باید شواهد و قرائن دیگری جستجو و مسیر دیگری پیشنهاد نمود. اینکه این شواهد چیست؟ و این مسیر کدام است؟ از جمله رهیافت‌هایی این نوشتار است. از این رو در این تحقیق به جای صرف تکیه بر مباحث قابل مناقشه روایی، توجه به مشخصه‌های ویژه قرآن کریم؛ همچون متنیت و خاصیت کتاب بودن آن، به عنوان شیوه‌ای معتبر و مستدل جهت سنجش اعتبار اقوال مرتبط با مقوله اول ما نزل پیشنهاد می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: صلاه، سوره حمد، اول ما نزل، متنیت.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول):

m.hoseininia@ilam.ac.ir

۲. استاد، دانشکده الهیات دانشگاه ایلام، ایلام، ایران: m.akbarnezhad@ilam.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران:

saeedrajaby12@gmail.com

درآمد

مباحث علوم قرآنی در کنار گسترش معنایی و مفهومی که به ذات خود و در پرتو کلام الهی دارد، حوزه قابل توجهی از اقوال و اندیشه‌های متفکران این دانش را شامل می‌شود. موضوعات مرتبط با حوزه علوم قرآنی به رغم گستردگی و تنوع محتوایی و مفهومی که دارند، دارای یک شاخصه مشترک هستند، و آن این است که سنگ بنای قاطبه اطلاعات و دانش‌های مرتبط با علوم قرآنی ریشه در اقوال و آرای گذشتگان دارد. به عبارت بهتر گرچه شواهد درون متنی قرآن کریم نقش به‌سزایی در جهت‌گیری و زایش علوم قرآنی داشته است، اما حجم انبوهی از مطالب این حوزه ریشه در اقوال روایی و منقول پیشینیان و محاکات ذهنی صاحب‌نظران این فن دارد. بر این اساس پر واضح است که مشکلاتی که در بستر منع صد ساله نشر و تدوین حدیث، علوم حدیثی و روایی را درگیر خود کرده در موارد فراوانی دامن علوم قرآنی را نیز آلوده است. در عصر حاضر و در قرن ارتباطات که بنابر ماهیت فکری و عقیدتی محققان، هر روزه مطالب تازه‌ای از محتوای قرآنی عرضه می‌گردد و در این میان شاهد تولیدات فکری گاهاً مغرضانه‌ای هستیم، صرف تکیه تعبدی بر اقوال و آرای گذشتگان نمی‌تواند پاسخگوی عطش جویندگان حقیقت باشد. بنابراین می‌طلبد که قرآن پژوهان معاصر تلاشی مجدانه جهت بازسازی و باز تولید بسیاری از اندیشه‌های قرآنی از پیش تعیین شده مصروف داشته و در این مسیر ضمن ارج نهادن به تلاش‌های گذشتگان، جسارت نقد و به چالش کشیدن این اندوخته‌های فکری را در خود به وجود آورند. نوشتار پیش رو بر آن است تا در یک موضوع مشخص از انبوه موضوعات علوم قرآنی به نقد پشتوانه‌های از پیش تثبیت شده متکی به نقل بردارد تا ضمن تشکیک در این انگاره‌ها راه دیگری جهت حصول به مقصود را پیشنهاد کند.

طرح مسأله

مفهوم «اَوَّلُ مَا نَزَلَ» از جمله مهم‌ترین مباحثی است که در حوزه علوم قرآنی مورد مذاقه قرار گرفته است. در ذیل این مفهوم تلاش شده است، به این سوال پاسخ داده شود که: نخستین آیه یا سوره نازل شده بر پیامبر کدام است؟

مطالعه آثار متقدمین پاسخ‌های متفاوت و متضادی را پیش روی مخاطب می‌گذارد، که به نوع خود سردرگمی و حیرت خواننده را بر می‌انگیزد. برای نمونه عده‌ای سوره علق و به خصوص پنج آیه ابتدای این سوره را به عنوان نخستین آیات نازل شده مد نظر دارند. (در شیععه نک: کلینی، ۱۴۱۱: ۲، ۶۲۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۲، ۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۲، ۳۹؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲، ۴۲۸؛ و در اهل سنت نک: بخاری، بی تا: ۱، ۵۹-۶۰؛ طبری، بی تا: ۲، ۲۹۸؛ ابن الندیم، ۱۳۴۸: ۴۳) برخی نیز به سوره حمد به عنوان نخستین نازل شده نظر داشته‌اند. (در شیععه نک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱، ۱۹؛ طبرسی، ۱۴۰۸:

۱۰، ۴۰۵؛ و در اهل سنت نک: زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۲۰۷؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۱، ۲۴) عده‌ای نیز به آیات سوره مدثر نظر دارند. (نک: مسلم، ۱۹۵۵: ۱، ۹۹؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۱۵؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۲۰۶؛ پاسخ‌های دیگری نیز به این پرسش ارائه شده است، که شهرت کم‌تری دارند. (نک: قرطبی، ۱۳۶۴: ۲، ۳۴۷؛ حاکم نیشابوری، ۲، ۶۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴، ۷۷۵) اما همانطور که در ابتدا بیان شد، سه سوره: حمد، علق و مدثر بیشترین توجه دانشمندان را به خود جلب کرده‌اند. با نگاهی آماری به روایات مرتبط با این بحث، مشخص می‌شود که سوره علق احتمال بیشتری برای اول ما نزل انگاشته شدن را دارد، اما اشاره آیات قسمت دوم این سوره به مفهوم نماز این استقبال را کم رنگ می‌کند. چرا که در روایات بسیاری وجود و ماهیت شکلی نماز بر محوریت قرائت سوره حمد قلمداد شده است. بنابراین اگر سوره علق پیش از حمد نازل شده باشد، مفهوم نماز اشاره شده در این سوره نمی‌تواند در قالب شکلی مد نظر روایات و فقه اسلامی ظهور یافته باشد. بنابراین یا باید سوره حمد پیش از سوره علق نازل شده باشد و یا باید مفهوم نماز مورد اشاره در آیات ۹ تا ۱۹ سوره علق را با موضوع نماز مصطلح و فقهی مورد توجه مسلمانان، متفاوت بدانیم. تا جاییکه جستجوی نگارندگان این تحقیق یاری می‌دهد، مطالعه تحقیقات متفکرین معاصر حکایت از آن دارد که بیشتر آنها تشکیک در مفهوم نماز موجود در آیات ۹-۱۹ سوره علق را منتفی دانسته و یا حداقل این موضوع را غیر قابل تحقیق قلمداد کرده‌اند. بلکه بیشتر آنها در ضمن مذاقه سندی و دلالتی اقوال گذشتگان دو جهت‌گیری مشخص در این زمینه دارند. گروهی به تلاش در جهت توجیه نقل‌های متفاوت پرداخته‌اند و گروهی دیگر از میان اقوال ذکر شده، نظری خاص را ترجیح داده و گزینش کرده‌اند. آنچه که در این مقام اهمیت می‌یابد این است که در هر دو گروه یک پیش زمینه و پنداره اساسی جهت توجیه یا ترجیح نقلی خاص مورد توجه بوده است و آن پیش زمینه، پنداره واجب بودن نماز با محوریت قرائت سوره حمد از ابتدای بعثت می‌باشد. با توجه به اینکه ذکر تک تک اقوال مرتبط با موضوع یاد شده در حوصله و گنجایش این نوشتار نیست؛ برای نمونه از هر دو طیف مرجحین و توجیه‌کنندگان، یک نمونه نقل می‌گردد. نخست از طیف کسانی که در صدد توجیه اقوال و جمع بندی نظرها هستند به آیت الله معرفت می‌توان اشاره کرد که با عنایت به همان پیش زمینه‌ی یاد شده در توجیه این تفاوت نقل‌ها دو شاخصه برای تشخیص نخستین نازل در نظر می‌گیرد و آن تمایز بین نخستین آیات نازل شده و نخستین سوره‌ای که به صورت کامل نازل شده است می‌باشد. او ابتدا تمامی اقوال مربوط به نخستین وحی نازل را نقل کرده سپس در جمع بندی آنها چنین می‌گوید: «گروهی معتقدند که اولین آیات سه یا پنج آیه از اول سوره علق بوده است... گروهی نیز نخستین سوره نازل شده را سوره مدثر می‌دانند... گروهی اولین سوره نازل شده را فاتحه می‌دانند... واحدی نیشابوری در اسباب النزول

می‌گوید: البته پیغمبر اکرم از همان ابتدای بعثت نماز را طبق سنت اسلامی انجام می‌داد و نماز بدون فاتحه‌الکتاب نشاید... جلال‌الدین سیوطی می‌گوید: هرگز نبوده است که نماز در اسلام بدون فاتحه‌الکتاب باشد... میان این سه نظر می‌توان به گونه‌ای جمع کرد؛ نزول آیات اول سوره علق با آغاز بعثت مقارن بوده است اما نخستین سوره کامل که بر پیامبر نازل شد سوره حمد می‌باشد. (معرفت، ۱۳۸۷: ۴۳ و ۴۴) برخی نیز در توجیه مسئله یاد شده، با تمرکز بر مفهوم صلاه، دوران حیات پیامبر را به دو دوره نبوت و رسالت تقسیم کرده و بر این اساس گفته‌اند: «با توجه به اینکه سوره حمد از اجزای ضروری نماز می‌باشد؛ لا صلاه الا بفاتحه‌الکتاب، نزول سوره حمد پیش از سوره علق ضروری و بایسته می‌باشد. سوره حمد نخستین سوره نازل شده در دوره نبوت پیامبر، و سوره علق نخستین سوره نازل شده در دوران رسالت ایشان می‌باشد. (خامه گر و نقی زاده، ۱۳۹۱، ۱۵۱ و ۱۵۲)

در گروه دوم، یعنی کسانی که به ترجیح یک قول پرداخته‌اند نیز، اکثراً به سوره حمد به عنوان نخستین نازلۀ متمایل هستند. برای نمونه آقای نکونام با توجه به وجود مفهوم صلاه در آیات انتهایی سوره علق و اینکه در این آیات از این موضوع گزارش داده شده که کسی پیامبر را از نمازگزاردن مانع شده است، و این نماز هم حتماً بدون وجود سوره حمد قابل اقامه نبوده است، بنابراین سوره حمد را به عنوان نخستین سوره نازلۀ ترجیح می‌دهد و نزول سوری دیگر چون علق و مدثر را به بعد از نزول سوره حمد مرتبط می‌داند. «در آیات ۹-۱۹ سوره علق سخن از کسی رفته است که پیامبر را از نماز باز می‌داشته. از این آیات چنین حاصل می‌شود که پیامبر قبل از نزول سوره علق نماز برپا می‌داشته و به پیامبری مبعوث بوده است.» (نکونام: ۱۳۸۰، ۲۷۵) «حقیقت امر آن است که اساساً آغاز سوره علق هرگز ناظر به آغاز وحی نیست، چون این سوره دفعی‌النزول بوده و در آن قرائن متعددی وجود دارد مبنی بر اینکه پیامبر اکرم قبل از نزول این سوره به پیامبری مبعوث بوده است؛ بلکه ناظر به اقامه نماز از سوی پیامبر اسلام علی‌رغم ممانعتی بوده است که سران قریش به عمل می‌آورده- اند.» (همان، ۲۸۳)

در نوشتار پیش رو نه تعیین نخستین سوره نازلۀ موضوعیت دارد و نه ترجیح یا تبیین خاصی در این زمینه مورد توجه است. بلکه برآنیم تا پنداره از پیش تثبیت شده و جوب نماز با محوریت قرائت سوره حمد و نقش آن در گزینش نخستین نازلۀ را واکاوی کنیم. در این مقام دو سوال اساسی که از جمله سوال‌های اصلی این نوشتار نیز می‌باشند، به ذهن خطور می‌کند. نخست اینکه: نگاه فریضه محوری که مفهوم نماز دارد، چه نقشی در ترجیح سوره حمد به عنوان نخستین نازلۀ ایفا کرده است؟ و دوم اینکه: این فرض از پیش تعیین شده با چه چالش‌هایی روبه است؟

پاسخ سوال اول در سطور پیشین به صورت مختصر بیان شد، اما برای پاسخ به پرسش دوم که نقشی محوری در این نوشتار دارد، سعی شده است که اهم مخاطرات فرض یاد شده ذکر گردیده و به صورت مختصر دلایل عدم توجه به چالش‌های پیش روی فرض یاد شده ذکر گردد.

مبحث نخستین آیات نازل شده همچنانکه در متون روایی و تفسیری بسیاری مطرح شده است، در مقالات فراوانی از سوی اندیشمندان معاصر مورد مذاقه قرار گرفته است. از بین این مقالات برای نمونه می‌توان به مقاله: چالش نخستین نزول (خامه گر و نقی زاده، ۱۳۹۱: ۱۳۴-۱۵۵) اشاره کرد. در این مقاله برای جمع بندی اقوال مرتبط با نخستین سوره نازل، رسالت پیامبر اسلام به دو دوره نبوت و رسالت تقسیم شده، سوره حمد نخستین سوره نازل دوران نبوت، و سوره علق نخستین نازل دوران رسالت معرفی شده است. از جمله دیگر مقالاتی که در این زمینه بحث کرده‌اند، مقاله: پژوهشی پیرامون نخستین آیات نازل شده بر پیامبر (موسوی و علی نژاد، ۱۳۹۶: ۵۲-۶۵) می‌باشد. در این مقاله نیز ضمن آنکه اقوال روایی مورد مذاقه قرار گرفته است، به خواننده شدن سوره حمد از روی نوشته‌ای که جبرئیل به پیامبر داده، اشاره شده و از این طریق جنس نازل شدن سوره حمد متفاوت از سوره دیگر قلمداد شده است. در مقاله: رابطه تشریح نماز با حدیث "لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ" در شناخت نخستین سوره نازل (فرهنگ جلودار و اویسی، ۱۴۰۱، ۷۴-۸۳) نیز به تبیین رابطه تشریح نماز با حدیث "لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ" پرداخته شده و با تکیه بر اعتبار بخشی به ظن حاصل از تاریخگذاری نخستین آیات یا سوره نازل؛ در نهایت راه حلی برای تعیین نخستین سوره نازل ارائه می‌گردد. این مقاله گرچه در مواردی اندک با تحقیق پیش رو هم پوشانی دارد، اما از آنجا که این نوشتار بر نقد و تحلیل روش و نوع ترجیح یک سوره متمرکز است و نه خود موضوع ترجیح یک سوره خاص، از اینرو دارای هدف و رسالتی متمایز از مقاله یاد شده می‌گردد. بی‌شک در تمامی مقالات یاد شده تلاش‌های قابل توجهی جهت حل تضاد اقوال در مورد نخستین نازل صورت پذیرفته است، اما چنانچه مشهود است؛ فرض از پیش تثبیت شده و جوب نماز بر پایه قرائت سوره حمد نقش اصلی در این جهت گیری‌ها دارد. بنابراین می‌توان گفت، تاکنون پژوهش خاصی بر مبنای به چالش کشیده شدن فرض یاد شده تدوین نشده است.

۱. چالش‌های پیش روی نقش فریضه محور مفهوم صلاه در گزینش سوره حمد به عنوان نخستین

سوره نازل

۱-۱. بررسی روایات «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»

عبارت «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» در برخی منابع روایی نقل شده است؛ در فقه القرآن قطب راوندی می‌خوانیم: «القراءة شرط فی صحه الصلاة، قال تعالی فاقرأوا ما تیسر من القرآن و قال فاقرأوا

ما تیسر منہ و قال علیہ السلام " لا صلاة الا بفاتحة الكتاب " وهذا تفصیل ما أجمله الآيتان ما آتاكم الرسول فخذوه وأزلنا إليك الذكر لتبين للناس» (قطب راوندی، ۱، ۱۰۲) در عوالی اللثالی ابن ابی جمهور نیز این عبارت و عبارتی دیگر نزدیک به همین مضمون نقل شده است: «وقال صلى الله عليه وآله: " لا صلاة الا بفاتحة الكتاب " وقال عليه السلام: " لا صلاة لمن لم يقرأ بفاتحة الكتاب "» (ابن ابی جمهور، ۱، ۱۹۶) در مستدرک الوسائل میرزای نوری نیز به نقل از کتاب عوالی اللثالی می‌خوانیم: «عوالی اللآلی: قال النبي (صلى الله عليه وآله): «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب».(نوری، ۴، ۱۵۸)

چنانچه مبرهن است در ابتدای امر اساساً حدیث بودن این عبارت قابل تشکیک است. نخست اینکه این عبارت در هر سه منبع ذکر شده، سند ندارد و دوم آنکه در منابع روایی، نخستین کتابی که این عبارت در آن ذکر شده است کتاب فقه القرآن راوندی است که متعلق به قرن ششم هجری می‌باشد. زیرا: «قطب الدین ابوالحسن سعید ابن هبه الله راوندی کاشانی، متوفای ۵۷۳ ق می‌باشد» (افندی، ۱۴۰۳، ۲، ۴۱۹) این دو نکته تردید جدی در اعتبار عبارت یاد شده به عنوان حدیث قابل اتکا و مورد قبول، ایجاد می‌کنند.

از لحاظ متنی و دلالتی نیز چنانچه مبرهن است این روایت در محتوای مفهومی خویش چیزی فراتر از یک حکم شرعی که طی آن قرائت سوره حمد جزء لاینفک نماز شمرده شده است، دلالت زمانی و مکانی مشخصی ارائه نمی‌کند. به عبارت بهتر این روایت در هر زمانی از عمر شریف رسول خدا (ص) به خصوص در سال‌های پایانی عمر ایشان امکان صدور را داشته است. از اینرو اگر از کسانی که با استناد به این روایت سوره حمد را نخستین سوره نازل شده قلمداد می‌کنند؛ زمان، مکان و شان نزول این روایت پرسیده شود، قطعاً پاسخی متقن نخواهند داشت. بنابراین با دخالت دادن عنصر زمان در کشف مدلول این روایت نخستین خدشه در قوت متنی، این فرض، پیش روی محقق قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر با بررسی منابع روایی می‌توان روایات دیگری از پیامبر و معصومین را جستجو نمود که در آنها نماز با شروطی لاینفک دیگر همراه شده و به نوعی از لحاظ محتوای مفهومی و ظاهر ساختاری خود، هم خانواده حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» قلمداد می‌شوند. برای نمونه در بعضی از روایات می‌خوانیم: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهُورٍ». ن.ک: (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۱، ۵۸) و (ابن ابی جمهور، ۳، ۸) و (مجلسی، ۷۷، ۷) و (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۱، ۱۰۰)

بی‌شک طهارت و وضو امری ابتدایی و نقطه عطفی برای نمازگزار است که در نوع خود پیش از ارکانی دیگر همچون قیام، نیت و قرائت در اقامه فقهی نماز تاثیرگذار است. از همه مهم‌تر آنکه در آیاتی از قرآن کریم به صورت مبسوط مبحث طهارت و شرایط و کیفیت آن پرداخته شده است؛ اگر

قیاسی ابتدایی با نقشی که عبارت لَأ صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ در گزینش سوره حمد به عنوان نخستین سوره نازل داشته است، با عبارت لَأ صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرِ انجاء پذیرد، به مراتب آیات مرتبط با طهارت احتمال بیشتری برای نخستین آیات نازل بودن را دارند. این موضوع از آنجایی اهمیت دو چندان می‌یابد که عبارت لَأ صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرِ نیز همچون عبارت لَأ صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ در قیود زمانی و مکانی مشخصی محصور نشده است که تشخیص داد کدام عبارت در چه زمان و مکانی صادر شده و از چه تاریخی لازم الاجرا بوده‌اند. مهم‌تر آنکه هر دو عبارت به دو جز لاینفک و قوام بخش نماز اشاره دارند و هر دو عبارت در یک سیاق و حتی در یک شکل بیان ارائه شده‌اند.

از جمله دیگر قرآینی که در فرض یاد شده خدشه ایجاد می‌کند این است که، عبارت لا صلاه الا... با قیود دیگری هم در کلام معصومین ایراد شده است، که ذکر تمامی احادیثی که در آنها ابتدا از عبارت لا صلاه الا... نقل شده است خارج از حوصله این بخش است. در جمع بندی این احادیث نیز می‌توان گفت عبارت لا صلاه الا... در ادای واژه فاتحه الکتب محصور نبوده و شئون دیگری را نیز در بر گرفته است. بنابراین ذکر حدیثی منقول از پیامبر بدون توجه به زمانبندی آن حدیث، همچنین بدون اشاره به احادیث مشابه و قابلیت قیاس این حکم بر آن احادیث، نمی‌تواند ما را در حصول به نتیجه‌ای قطعی در خصوص تعیین نخستین آیه یا سوره نازل راه گشا باشد.

از سوی دیگر در برخی منابع اسلامی آمده است که: پس از نزول آیه پایانی سوره‌ی واقعه یعنی آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» پیامبر اکرم (ص) فرمود: آن را در رکوع خود قرار دهید (سبحان ربی العظیم بگوئید) و هنگامی که «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» نازل شد آن حضرت فرمود: آن را در سجده قرار دهید. سبحان ربی الاعلی بگوئید» ن.ک: (حرعاملی، ۱۱۰۴، ۶، ۳۲۸) و (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۸، ۲۳۵) از عقبه بن عامر روایت شده است: هنگامی که آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» نازل شد، پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: این ذکر را در رکوع خود قرار دهید؛ و چون آیه «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» نازل شد، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: این ذکر را در سجود خود قرار دهید. ن.ک: (ابن بابویه، بی تا، ۲، ۳۳۳) و (طوسی، ۱۳۶۴، ۲، ۳۱۳)

همچنانکه: قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَا أَقُولُ فِي السُّجُودِ فِي الصَّلَاةِ فَنَزَلَ سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى قَالَ فَمَا أَقُولُ فِي الرُّكُوعِ فَنَزَلَ فَسَبِّحِ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ قَالَ ذَلِكَ وَ أَنَّهُ صَلَّى قَبْلَ النَّاسِ كُلِّهِمْ سَبَّحَ سَبْعِينَ وَ أَشْهُرًا مَعَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) وَ صَلَّى مَعَ الْمُسْلِمِينَ أَرْبَعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ بَعْدَ النَّبِيِّ ثَلَاثِينَ سَنَةً.

ابن مسعود گوید: امام علی (علیه السلام) عرض کرد: «ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در رکوع چه بگویم؟ نازل شد: فَسَبِّحِ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ. عرض کرد: «در سجود چه بگویم؟» نازل شد:

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى. او اولین کسی بود که گفت. هفت سال و چندی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیش از خواندن مردم و چهارده سال با مسلمانان و سی سال بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله). (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۸، ۲۰۳)

چنانچه مبرهن است در این روایات نازل شدن آیاتی از قرآن کریم ربط مستقیمی با فریضه نماز و ارکان آن دارد و چنانچه در حدیث ابن مسعود آمده اساساً شان نزول این دو آیه از قرآن کریم در پاسخ به سوال امیرالمومنین درباره کیفیت نماز و ذکر رکوع و سجود بوده است. اگر با توجه به عبارت «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» نتیجه بگیریم که پیامبر از روز نخست تشریح نماز، سوره حمد را قرائت می‌کردند؛ از خود می‌پرسیم آیا نماز آن روز پیامبر فقط مشتمل بر قرائت سوره حمد بوده و فاقد ارکانی چون رکوع و سجود بوده است؟ اگر چنین بوده است پس نماز پیامبر در آن روزگار، نماز کامل فقهی و شرعی محسوب نمی‌شود؛ چراکه فاقد ارکانی چون رکوع و سجود بوده است. اگر بگوییم نماز پیامبر مشتمل بر رکوع و سجود بوده است؛ باید از خود پرسیم که پیامبر در رکوع و سجود نماز خویش چه اذکاری می‌گفتند؟ اگر بر روایاتی که در سطور پیشین نقل شد، تکیه کنیم و آیات موجود در این روایات را با دلالتی که روایت «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» در قرائت سوره حمد دارد، قیاس کنیم؛ نتیجه آن می‌شود که سوره اعلی و سوره مبارکه واقعه نیز باید پیش از سوره علق نازل شده باشند. چنانچه ذکر گردید تمامی این روایات خالی از هر گونه قید زمانی و حتی مکانی هستند که بخواهیم این روایات را به زمانی غیر از زمان نخستین نماز پیامبر مرتبط بدانیم.

لازم به ذکر است از جمیع مطالب و سخنانی که در رابطه با شکل و صورت نماز در منابع روایی نقل شده است یک نکته کلی قابل برداشت است و آن این است که نماز نیز مانند بسیاری دیگر از فرایض دینی و اسلامی در مسیری تکاملی تشریح شده و ارکان همچنین اذکار و اعمال آن در یک زمان واحد و یکجا تشریح نشده است. با عنایت به این مهم از کسانی که از عبارت «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» قرائت سوره حمد در نخستین نماز پیامبر را استنباط کرده‌اند؛ باید پرسید که بر اساس چه دلایلی نمی‌توان پذیرفت که این رکن از نماز نیز در مسیر تکاملی و زمانمند تشریح این حکم سر برآورده باشد؟

۲-۱. دلالت لغوی مفهوم صلاه

واژه صلاه از جمله مهم‌ترین و پر بسامدترین واژگانی است که در آیات متعددی از قرآن کریم به کار رفته است. در قاموس‌های عربی درباره ریشه این واژه و ناقص واوی یا یایی بودن آن، اقوال متفاوتی نقل شده است؛ که ذکر تمامی آنها خارج از حوصله این بحث است. در تحقیقی مفصل که

تحت اشراف دکتر آذرنوش انجام پذیرفته، ضمن جستجوی معانی این واژه در فرهنگ‌های لغت و اشعار جاهلی، مفاهیم مرتبط با این واژه را به شکل زیر سامان داده‌اند:

۱. مفهوم فیزیکی: دوتا شدن، خم شدن و نماز آوردن. این مفهوم هیچگاه در قرآن به صورت مستقل استعمال نشده است. بلکه تنها می‌توان آن را در قالب یک تعظیم در شکل کلی نماز جستجو کرد.

۲. مفاهیم معنوی. که شامل موارد زیر است:

الف: نیایش یا راز و نیاز: مقصود از آن نیایش به معنای مطلق آن است.

ب: دعا و درخواست: این درخواست، در قالب نیایش فردی است و موضوع آن همیشه مثبت است. مثل: برکت، رحمت، آمرزش و...

ج: نماز: مقصود از آن نیایشی آیینی است که در قرآن همیشه با واژه «الصلاه» از آن یاد می‌شود.

د: درود فرستادن: به نظر می‌رسد هدف از این درود و سلام نوعی بزرگداشت و تکریم باشد. (مکوند و آذرنوش، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

چنانچه مشهود است، در میان معانی یاد شده تنها یک مورد است که می‌تواند ناظر به معنای فقهی و شکلی نماز باشد. اکنون باید از کسانی که واژه «صلی» در آیه ۱۰ سوره علق را به صرف نماز خواندن فقهی پیامبر با محوریت قرائت سوره حمد حمل کرده‌اند پرسید که: استبعاد اینکه معانی یاد شده دیگر را بر مفهوم یاد شده حمل کنیم چیست؟ آیا نمی‌شود تصور کرد که پیامبر در آن روزهای ابتدایی بعثت در مقابل کعبه نشسته و به مطلق نیایش و راز و نیاز پرداخته باشد؟ آیا نمی‌شود تصور کرد که پیامبر در آن ایام در برابر قداست ذاتی کعبه به خاک افتاده و از خداوند متعال؛ رحمت، برکت، آمرزش و... را درخواست کرده باشد؟

بنابراین اگر بنا باشد در پرتو دلالت لفظی و معنایی این واژه به موضوع مورد نظر پرداخته شود، باوجود اینکه در روایات به نماز خواندن پیامبر در آن ایام و ممانعت ابوجهل اشاره شده است، اما این اشارات قابل تشکیک نمی‌تواند به تنهایی دلیل قابل استنادی برای حصر معنای لغوی واژه یاد شده به معنای نماز خواندن فقهی و شرعی پیامبر با محوریت قرائت سوره حمد قلمداد گردد.

۱-۳. سیاق و شواهد قرآنی

از طرف دیگر اگر بخواهیم واژه صلاه را در لابه لای آیات قرآن کریم و در گستره سیاق و شواهد این کتاب الهی ارزیابی کنیم؛ موارد قابل توجهی جهت نقد و چالش پیش فرض یاد شده به دست می‌آید. در قرآن کریم شاهدیم که: حضرت ابراهیم در مناجات با خداوند چنین می‌گوید: «رب اجعلنی مقيم الصلاة و من ذریتی» (ابراهیم، ۴۰) و «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ

بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ؛ (ابراهیم، ۳۷) خدای متعال خطاب به او می فرماید: «وطهر بیٹی لطائفین و القائمین و الركع السجود» (حج، ۲۶) و درباره اسماعیل صادق الوعد می فرماید: «و كان يأمر أهله بالصلاة و الزكاة» (مریم، ۵۵) و خداوند به موسی فرمود: «أقم الصلاة لذكری» (طه، ۱۴) در مورد بنی اسرائیل می فرماید: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ؛ (بقره، ۸۳) خداوند در مورد حضرت موسی علیه السلام و هارون و قوم آنها می فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَ اجْعَلُوا بِيوتِكُمْ قِبْلَةً وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه‌هایی ترتیب دهید و سراهایتان را روبروی هم قرار دهید و نماز برپا دارید و مؤمنان را مژده ده (یونس، ۸۷) درباره حضرت زکریا علیه السلام و محراب نماز او آمده که: «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ؛ (آل عمران، ۳۹) و عیسی (علیه السلام) را به نماز و... سفارش فرمود: «و أوصانی بالصلاة و الزكاة ما دمت حياً» (مریم، ۳۱) و قوم شعیب به ایشان گفتند: «أصلاک تأمرک ان تترك ما یعبد آبائنا أو أن نفعل فی أموالنا نشاء» و لقمان خطاب به فرزندش می گوید: «یا بنی أقم الصلاة» (لقمان، ۱۷) و کسانی (از امت های گذشته) را که نماز را ضایع کردند به شدت نکوهش می کند: «فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات» (مریم، ۵۹).

چنانچه مشهود است در بسیاری از این خطاب‌ها نماز به عنوان عبادتی خاص و مورد پسند ذات الهی با خصوصیت اقامه شدن تلقی شده و سیاق قرآنی خبر از آن دارد که انبیای پیش از نبی مکرم اسلام همه‌گی دل در گرو اقامه این موهبت الهی داشته‌اند. اکنون جای این سوال است که تکلیف اقامه نماز انبیای الهی پیش از نزول سوره حمد چگونه بوده است؟ اگر گفته شود که ماهیت نماز این بزرگواران متفاوت از نماز اصطلاحی و فقهی مورد نظر شرع اسلام بوده است؛ در ادامه می‌توان پرسید که؛ چه استبعادی داشته است که ما نماز پیامبر اسلام را هم تا قبل از نزول سوره حمد بر همان کیفیت نماز انبیای پیش از اسلام قلمداد کنیم؟

آیا جز این است که فرض از پیش تثبیت شده و جوب نماز با محوریت قرائت سوره حمد این استبعاد را فراهم آورده است. چنانچه مشاهده می‌کنیم در عرف قرآن نماز به عنوان عبادتی خاص مورد توجه انبیای پیش از پیامبر اسلام بوده است، و اگر ما فرض اول ما نزل بودن سوره حمد را کنار بگذاریم، می‌توانیم نماز پیامبر را تا قبل از نزول این سوره همچون نماز انبیای سلف ایشان قلمداد

کرده و قائل شویم که ایشان تا قبل از نزول سوره حمد نمازی بدون قرائت این سوره اقامه کرده‌اند. چنانچه مشهود است این فرض در بستر شواهد و قراین قرآنی معارضی ندارد. از طرف دیگر در بحث لغوی ذکر شد که معنای لغوی نماز با توجه به مفهوم فیزیکی آن مستقلا در قرآن ذکر نشده و از همه مهم‌تر اینکه واژه نماز به عنوان نیایش خاص فقهی و شرعی اسلامی، در قرآن با عبارت «الصلاه» مورد توجه بوده است (مکوند و آذرنوش، ۱۳۹۰: ۱۲۶)، حال آنکه واژه موردنظر در سوره علق «صلی» می‌باشد.

نکته دیگر و شاید مهم‌ترین نکته این است که، دقت در آیات قرآن کریم نشان از آن دارد که آیه وضو (آیه ۶ سوره مائده) در سوره‌ای مدنی قرار دارد که به گواهی تمامی اقوال روایی و تاریخی در سال‌های انتهایی نبوت پیامبر نازل شده است. از طرف دیگر گفته‌اند که: بنابر روایات رسیده، کیفیت نماز مسلمانان تنها یکبار تغییر نموده و آن هم پس از معراج رسوا الله بود. در این روایات تنها دو تغییر درباره کیفیت نماز پس از معراج گزارش شده است: یکی افزایش تعداد رکعات و دیگر کاهش زمان اقامه نماز. (خامه گر و نقی زاده، ۱۳۹۱: ۱۴۱) چنانچه مشهود است در این گزارش‌ها اشاره‌ای به موضوع وضو و تغییر در کیفیت و کمیت آن نشده است، بنابراین اگر ما فرض صحت نماز بر مبنای قرائت سوره حمد را مبنای اثبات اول مانزل بودن سوره حمد قرار دهیم؛ به طریق اولی آیه وضو باید پیش از سوره حمد نازل شده باشد. چرا که وضو و اصولا موضع طهارت شرط ابتدایی و لازمه لاینفک نماز است و در نگاهی فقهی و شکلی به فریضه نماز پیش از ارکانی دیگر از قبیل قیام، تکبیر و قرائت موضوعیت دارد.

از جمیع این مباحث می‌توان نتیجه گرفت که فریضه نماز مانند بسیاری دیگر از فرایض الهی همچون روزه و زکات، مختص دین اسلام و شریعت محمدی نبوده بلکه در دین اسلام حدود و شرایط این فرایض به صورت صحیح و جامع تکامل یافته و دارای احکامی مختص خود شده‌اند. بنابراین می‌توان نماز پیامبر را در ابتدای بعثت نمازی به صرف عبادت همچون نماز انبیای سلف آن بزرگوار قلمداد کرد و نه نمازی مصطلح و فقهی. همچنانکه این امر در مورد روزه و زکات نیز قابل تسریع است.

۱-۴. شواهد و قراین تاریخی

پیش‌تر یادآور شدیم که این نوشتار در صدد تحلیل یا نقد متنی و سندی روایات مرتبط با واژه صلی موجود در آیه ۱۰ سوره علق نیست. اما نگاهی اجمالی به این روایات حکایت از آن دارد که فردی که طبیعتا از سران کفر بوده است (ابوجهل یا مغیره) قصد ممانعت از برگزاری نماز توسط پیامبر را داشته است. در این روایات آنچه که به عنوان بخش برجسته نماز پیامبر خاطرنشان شده، موضوع

سجده پیامبر است نه قرائت سوره حمد. علامه طباطبایی در ذیل این آیه چنین می‌نویسد: «سبب این آیات دلالت دارد بر اینکه رسول خدا (ص) قبل از نزول قرآن نماز می‌خوانده (طباطبایی، ۲۰، ۵۵۱) ایشان ضمن اینکه از کیفیت نماز رسول خدا اظهار بی‌اطلاعی می‌کند، تاکید دارد که: «نمازهای قبل از معراج مشتمل بر مقداری تلاوت قرآن و نیز مشتمل بر سجده بوده» (همان) تا جایی که جستجوی نگارنده مدد می‌دهد، مطالعه آثار تاریخی در رابطه نحوه نمازگزاردن پیامبر در ابتدای بعثت که به نوعی عین یا بازتاب همان روایات یاد شده است، به چیزی فراتر از سجده پیامبر در این نماز اشاره مستقیمی ندارد. حال آنکه اگر پیامبر در آن روزها نمازی با کیفیت نماز فقهی مورد نظر شرع و با خصوصیت مشخصه قرائت سوره حمد اقامه می‌کرده بود؛ چرا این مهم مانند موضوع سجده ایشان در هیچ منبع تاریخی صریحا بیان نگشته است؟

نکته مهم‌تر اینکه هیچ منبع مشخص تاریخی، روایت موجود در زمینه قانمیت نماز بر محوریت سوره حمد را به زمان خاصی مقید نکرده و به عبارت بهتر بر فرض صحت صدور این روایات، پایش زمانی متقن و قابل اتکایی برای این موضوع قابل تصور نمی‌باشد. روایت یاد شده در خصوص نقش سوره حمد در اقامه نماز، می‌تواند در هر برهه زمانی از نبوت پیامبر اسلام، ولو در روزهای پایانی عمر شریف ایشان صادر شده باشد. بنابراین بر طبق هیچ مدرک تاریخی نمی‌توان زمان صدور روایت یاد شده را بر روزهای ابتدایی بعثت پیامبر اسلام تحمیل نموده و از این طریق نماز خواندن پیامبر در ابتدای بعثت را بر قرائت سوره حمد متکی دانست.

۲. عوامل تاثیر گذار بر تثبیت نقش فریضه محور مفهوم صلاه در گزینش سوره حمد

همانطور که پیش‌تر گفته شد نشان دادن چالش‌های پیش روی نقش قوام بخشی که قرائت سوره حمد در نماز دارد به عنوان پنداره‌ای از پیش تثبیت شده، محوریت اصلی این تحقیق است. به عبارت بهتر سخن اصلی در این مقاله این است که برای پی بردن به اینکه کدام سوره اولین سوره نازل شده بر پیامبر گرامی اسلام است؛ صرف اتکا به پنداره‌ی "لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ" نمی‌تواند راه گشا باشد. بنابراین تاکید می‌گردد که مقوله تعیین نخستین سوره نازله موضوع اصلی این تحقیق نیست، بلکه بحث محوری این مقاله این است که اگر چشم بر جایگاه تثبیت شده‌ای که فرض یاد شده در بستر روایات کسب کرده است ببندیم؛ این فرض با چه چالش‌های عمده‌ای روبه رو می‌شود. در بخش پیشین چالش‌های اساسی پیش روی نقش فریضه محور مفهوم صلاه، در گزینش سوره حمد به عنوان نخستین سوره نازله، دسته بندی شد. اکنون سعی می‌گردد به صورت مختصر به این موضوع پرداخته شود که چرا که با وجود چالش‌های پیش روی فرض یاد شده، این چالش‌ها مورد توجه قرار نگرفته است؟

۱-۲. تاریخ پر فراز و نشیب تدوین و نشر حدیث

تتبع در منابع مرتبط با مباحث علوم قرآنی نشان از آن دارد که مقوله تعیین زمان نخستین وحی نازل شده بر پیامبر نیز در کنار موضوع تعیین نخستین سوره نازل، از جمله مباحث اختلافی این حوزه می‌باشد. دو موضوع یاد شده و به خصوص موضوع تعیین زمان نخستین وحی نازل در بین فرق و مذاهب اسلامی دارای وجه اختلافی شدیدی است که در نوع خود ریشه در مسائل مرتبط با تاریخ تدوین و نشر حدیث دارد. احادیث و روایات مرتبط با ماهیت وحی و ترتیب نزول آیات در دو دسته روایات زمانمند و روایات فرازمانی قابل تقسیم هستند. چنانچه مبرهن است روایات فرازمانی و به عبارتی غیر زمینی که به نحوه نزول و زمان نزول در عالم فراماده اشاره دارند از دسترس کنکاش ذهن بشری، خود به خود خارج می‌شود و اساساً قابلیت در موضوع ترجیح و تعیین اولین آیه و سوره نازل ندارند. روایت زمانمند و به عبارتی تاریخی - که پیش بینی می‌شود روایات اندکی را شامل شوند - نیز، خود در مسیر پرفراز و نشیب نشر و تدوین حدیث دچار مشکلات عدیده‌ای شده‌اند.

نخستین و مهم ترین مشکل آن است که اساساً روایات مربوط به دوران آغاز نزول وحی در بهترین حالت قریب به ۱۵۰ سال بعد از ماجرای اصلی خود؛ یعنی ماجرای نزول قرآن، در مکتوبه‌های روایی ثبت شده‌اند. در این زمان مدید این روایات دست خوش انواع و اقسام گرایشات مذهبی و فرقه‌ای شده و تا حدودی از گزند تعصبات در امان نمانده‌اند. برای نمونه در بحث پیرامون نخستین وحی نازل بر پیامبر، روایاتی از عایشه در منابع حدیثی نقل شده است که به قول دکتر رامیار: «عایشه به هنگام نزول وحی هنوز زاده نشده و خود شاهد نبوده» (رامیار، ۱۳۷۹، ۵۶) سپس ایشان به نقل از نگارنده فتح الباری این احتمال را اضافه می‌کند که گرچه عایشه در زمان نزول اولیه قرآن هنوز به دنیا نیامده است: «ولی لابد از رسول خدا و یا یکی از صحابه شنیده است» (همان) اما در هیچ منبعی مشخص نمی‌شود عایشه این ماجرا را از چه کسی شنیده است. بنابراین در کلام عایشه اتصالی به سخن یا تقریر رسول خدا یافت نمی‌شود و در نهایت: «به هر صورت، گفتار، گفتار عایشه است نه نقل قول نبی اکرم» (همان) اما با نگاه منصفانه رد صدرصدی این اقوال هم به صرف اینکه عایشه ناقل آن است و او در هنگام نزول قرآن به دنیا نیامده است؛ امکان پذیر نیست. زیرا هیچ استبعادی ندارد که چنین تصور کنیم که موضوع یاد شده در هنگام ثبت در مکتوبه حدیثی دچار این انقطاع شده و نگارنده به زعم خود قول موقوف عایشه را با توجه به جایگاه عایشه در نزد اهل سنت پذیرفته‌تر و مقبول‌تر یافته تا اینکه بخواهد واسطه عایشه تا رسول خدا را نقل کند.

روایات و اقوال فراوان دیگری در این زمینه می‌توان یافت که مانند نمونه یاد شده، با توجه به تاریخ پر فراز و نشیب تدوین و نشر حدیث قابل تحلیل هستند. در قیاس ابتدایی موضوع یاد شده با

موضوع مورد بحث این مقاله، می‌توان چنین تصور نمود که روایات مرتبط با نخستین سوره نازل در لابه لای زمان ممتد عدم کتابت حدیث دچار معضل ابهام شده است. با توجه به تعداد اندک مسلمانان در روزهای نخست نزول وحی قرآنی و اینکه در سال‌های ابتدای بعثت دعوت اسلام تا مدت‌ها سیری بوده و آشکارا نامی از قرآن در اذهان عمومی برده نمی‌شده است؛ اینکه کدام سوره و یا کدام آیه برای نخستین بار نازل شده است در آن روزها موضوعیت نداشته است. بر این اساس با گذشت یک قرن و نیم بعد از نزول قرآن وقتی نگارندگان مکتوبه‌های حدیثی به موضوع تعیین نخستین وحی نازل برخورد کرده و به انتخاب یا ترجیح روایات این مقوله پرداخته‌اند؛ با اشراف به نقش قوام بخشی که قرائت سوره حمد در نمازهای یومیه خودشان داشته است، این موضوع را به نمازهای نخست پیامبر هم نسبت داده و بر این اساس سوره حمد را اولین نازل پنداشته و خود را از کنکاش بیشتر پیرامون این موضوع بی‌نیاز دانسته‌اند.

۲-۲. توجه به خاصیت گفتاری و متنی قرآن کریم

از جمله دیگر مسائلی که در مبحث تعیین نخستین آیه نازل شده تا حدودی مورد اغماض قرار گرفته و باعث شده است فضایی مشوش در این زمینه پدید بیاید؛ موضوع مهم ماهیت وحی در پرتو خاصیت متنیت و ویژگی شفاهی که این پدیده دارد، می‌باشد. اگر موضوع کیفیت فرازمینی وحی و نحوه ارتباط خداوند با پیامبر در انتقال وحی - چه مستقیم و چه به واسطه فرشته وحی - را از جمله مطالبی بدانیم که ذهن بشر از درک کنه آن عاجز است. اکنون ماهیت زمینی و ملموس و به عبارتی بهتر، صورت شکلی و موجود وحی می‌ماند که باید در گستره مفاهیمی همچون: کتاب بودن، منسجم و منظم بودن و... بررسی شوند. باید محقق از خود بپرسد آیا قرآن از ابتدای نزول خاصیت کتاب بودن خود را به همراه داشته یا اینکه این خاصیت را بعداً و در مسیر تکاملی به دست آورده است؟ به عبارت بهتر آیا متنیت قرآن چیزی متغییر از خاصیت شفاهی آن است؟ و یا همانطور که برخی از اندیشمندان معاصر پنداشته‌اند (ابوزید، ۲۰۱۴، ۱۱۸) اصولاً قرآن مجموعه‌ای از گفتارهاست تا متن‌ها؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، خلاصه و مختصر می‌توان گفت وحی الهی در مرحله ابلاغ و در دسترس بشر قرار گرفتن، نخست مجموعه‌ای از گفتارهای شفاهی بوده تا اینکه متنی مکتوب و منظوم باشد. در ادامه با گسترش اسلام و با عنایت به اینکه این وحی باید در دسترس تمامی انبای بشریت در تمامی اعصار قرار بگیرد؛ خصوصیت متنیت به خود گرفته و به شکل کتابی نوشتاری در آمده است. برای اثبات این مدعا می‌توان شواهد بسیاری ارائه داد؛ از جمله اینکه: طبق روایات وارده جبرئیل هرگاه فرود می‌آمد و آیاتی به همراه داشت موضع و جایگاه هر آیه‌ای را در سوره تعیین می‌کرد و آن‌گاه رسول خدا - صلی الله علیه و اله - آن را بر یارانش قرائت می‌کرد و به نویسندگان وحی فرمان

می داد که آن را در جای خود بنگارند. (رامیار، ۱۳۷۹، ۵۸۱) پس لزوم توجه به مقوله متنیت از روزهای نخست اسلام موضوعیت داشته است. کما اینکه گفته‌اند: «تعیین مقدار آیات یک سوره توسط شخص نبی اکرم - صلی الله علیه و اله - صورت گرفته است. (معرفت، ۱۳۷۸، ۱۱۱) و اینکه: «نام بسیاری از سوره‌ها نیز توسط پیامبر انتخاب شده و این اسامی در روایات پیامبر موجود است، که نشان می‌دهد نام‌ها توسط خود ایشان بر سوره‌ها نهاده شده است. (حجتی، ۱۳۷۷، ۹۸) شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیلی که اثبات می‌کند متنیت وحی الهی کاملاً منطبق با مرحله شفاهی آن نبوده این است که ترتیب فعلی سوره‌ها در قرآن قطعاً با ترتیب نزول تفاوت دارد، چون بسیاری از سوره‌های مدنی در ابتدا و بسیاری از سوره‌های مکی در انتها آمده‌اند. حال آن که سوره‌های مکی قبل از سوره‌های مدنی نازل شده‌اند.

ساده لوحانه است اگر چنین برداشت شود که برهم زدن نظم ابتدایی نزول آیات قرآن و طرح و اجرای نظامی نوین و منسجم توسط رسول خدا را امری اتفاقی و بی هدف قلمداد کنیم. جالب تر آنجاست که در مواقعی پیش می‌آمده است که رسول خدا در ترکیب چینش آیات تغییر ایجاد می‌کرده‌اند. «گرچه ترتیب آیه در سوره‌ها کاملاً توقیفی و طبق دستور پیامبر است و غالب سوره‌ها به ترتیب و از ابتدا تا انتها نازل شده و بعد از تمام شدن نزول سوره‌ای نوبت به نزول سوره بعد رسیده است؛ اما آیاتی وجود دارد که در مقاطعی نازل شده و مطابق دستور پیامبر در جای معینی از سوره‌ها قرار داده شدند. (حجتی، ۱۳۷۷، ۶۶ و جلالی نائینی، ۱۳۶۵، ۱۲۴)

بنابراین می‌توان گفت این دو خصوصیت؛ یعنی ماهیت شفاهی و متنیت قرآن دو بال پرواز کلام باری بوده‌اند که به وسیله آن در جان و روح مخاطب به فراخور استعداد وی نفوذ کنند. با عنایت به این مهم باید انسجام و نظم موجود در آیات، سوره، اجزا و رکوعات قرآنی را محصول مرحله متنیت قرآن دانست و بین این مرحله و مرحله شفاهی آن تمایز قائل شد. از آنجایی که خاصیت کتاب بودن قرآن کریم بیشتر در بستر متن بودن آن قابل تصور است، فاتحه بودن سوره حمد برای این کتاب را نیز باید در زمان متن شدن قرآن جستجو کرد. تعیین دقیق این زمان، اساساً برای پیشینیان یعنی طبقه صحابه و تابعین، یا موضوعیت نداشته و یا در لابه لای شرح مغازی و فضیلت‌ها گم شده است. در بیشتر منابع روایی و تاریخی تدوین شده بعد از دوران صحابه و تابعین نیز گرچه موضوع کتابت قرآن کریم همزمان با حیات حضرت محمد(ص) به عنوان یک حقیقت تاریخی مورد توجه قرار گرفته و حتی نام نخستین کاتبان و نوع نوشت افزارهای موجود در زمان نزول قرآن قید شده(ن.ک: حجتی، ۱۳۷۷، ۲۰۰-۲۱۸)، اما هیچ مدرک قابل استنادی مبنی بر اینکه مرحله متن مکتوب شدن قرآن و نزول شفاهی آن کاملاً بر هم منطبق بوده‌اند در دسترس نیست. بر این اساس وقتی تاریخ دقیق کتابت قرآن

با توجه به ماهیت شفاهی آن در دسترس نیست، وقتی مشخص نیست سوره حمد از چه تاریخی فاتحه کتاب مکتوب الهی یعنی قرآن بوده است، به نظر می‌آید نزد پیشینیان موضوع فاتحه کتاب بودن سوره حمد با مقوله اول منزل بودن آن دچار اختلاط شده است. بر این مبنا با توجه به قاعمت نماز خودشان بر قرائت سوره حمد، نماز پیامبر از روز نخست نبوت را نیز چنین پنداشته و به این قطعیت رسیده‌اند که سوره حمد قبل از علق نازل شده است.

نتیجه

قرآن کریم به عنوان آخرین و کاملترین وحی الهی و جامع‌ترین سخن خداوند با بشر، دارای سرگذشت و تاریخی انسان نوشت است که متاسفانه در پاره‌ای موارد این سرگذشت با ابهام درآمیخته است. برای نمونه در منابع مرتبط با علوم و تاریخ قرآن اینکه کدام سوره یا آیه برای نخستین بار نازل شده است، به روشنی و وضوح مطرح نشده است. بلکه آرای متفاوت و متضادی در این زمینه پیش روی محققین و قرآن پژوهان قرار گرفته است. سوگمنده‌تر آن است که مسیری که بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی برای ترجیح یک سوره مانند سوره حمد به عنوان نخستین سوره نازل در پیش گرفته‌اند، مسیری پرچالش و قابل خدشه است. چراکه بر فرضی از پیش تثبیت شده توسط روایات تکیه دارد و این فرض با توجه به محتوای متنی و دلالتی روایت نقل شده، سیاق قرآنی، شواهد تاریخی و حتی در قیاس با روایات هم‌مطراز خود، از دلالت متقنی بر موضوع یاد شده، برخوردار نمی‌باشد. بنابراین گرچه تعیین نخستین وحی نازله موضوعی ناممکن نیست، اما تعیین این مهم در مسیر این فرض یاد شده نمی‌تواند کاشف از واقعیتی غیرقابل خدشه باشد. برای رهایی از این تنگنا به نظر می‌رسد باز تعریف اصولی موضوعاتی مانند: ماهیت وحی، کتاب بودن وحی، منسجم و منظم بودن آن و... در پرتو دقت در دو موضوع متنیت و خصوصیت شفاهی قرآن، می‌تواند به نوع خود رهیافت بهتر و قابل اتکایی در تعیین نخستین وحی نازله ارائه کند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن الندیم، محمد ابن اسحاق (۱۳۴۸ق)، *الفهرست*، مصر، مطبعة الاستقمامه.
۲. ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳ق)، *عوالی اللئالی*، قم: سیدالشهدا.
۳. ابن بابویه، محمد ابن علی (۱۳۷۲ش)، *عیون اخبار رضا*، ترجمه علی اکبرغفاری، تهران: نشر صدوق.
۴. ابن بابویه، محمد ابن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، مصحح: علی اکبرغفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۵. ابن بابویه، ابوجعفر محمد، (بی تا)، *علل الشرائع*، نجف: منشورات المكتبة الحیدریه و مطبعتها.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد (۳۸۵ق)، *دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام*، گردآوری و تصحیح: آصف فیضی، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۷. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۴۰۳ق)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق و تصحیح احمد حسینی اشکوری و سید محمود مرعشی، قم: مطبعه الخیام.
۸. بخاری، محمد ابن اسماعیل (بی تا)، *الجامع الصحیح*، ریاض: بیت الافکار دولیه.
۹. جلالی نائینی (۳۶۵ق)، *تاریخ جمع قرآن کریم*، تهران، نشر نقره.
۱۰. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (بی تا)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. حجتی، سید محمد باقر (۱۳۷۷ش)، *تاریخ قرآن کریم*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. حر عاملی، محمد ابن الحسن (۱۰۴ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۳. خامه گر، محمد و نقی زاده، حسن (۱۳۹۱)، «چالش نخستین نزول (جمع بندی نوین از روایات نخستین سوره نازل بر پیامبر (ص))»، *فصلنامه پژوهش های قرآنی*، شماره ۹۶.
۱۴. رامیار، محمود (۱۳۷۹ش)، *تاریخ قرآن*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۵. زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق ابراهیم عبدالله کردی، بیروت: دارالمعرفه.
۱۶. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۷. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر (۱۴۱۶ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق سعیدالمنذوب، بیروت: دارالفکر.
۱۸. طبرسی، فضل ابن حسن (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۹. طبری، محمد ابن جریر (بی تا)، *تاریخ الامم و الرسل و الملوک*، بی تا.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن (۱۳۶۴ش)، *تهذیب الأحكام فی شرح المقننه للشیخ المفید رضوان الله علیه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالثقلین*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۲. قرطبی، محمد ابن احمد (۱۳۶۴ق)، *الجامع الاحکام القرآن*، تهران: ناصرخسرو.

۲۳. قطب راوندی، سعید ابن هبه الله (۱۴۰۵ق)، *فقه القرآن*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۲۴. قمی، علی ابن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب.
۲۵. کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۴۱۱ق)، *الکافی*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، تصحیح محمدتقی مصباح یزدی، بیروت: دارالوفاء..
۲۷. مسلم بن حجاج النیشابوری، ابوالحسین (۱۹۵۵م)، *جامع الصحیح*، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بی نا.
۲۸. معرفت، محمد هادی (۱۳۷۸ش)، *علوم قرآن*، قم، انتشارات مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۲۹. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: سمت.
۳۰. مکوند، محمود و آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۰)، «درنگی بر واژه قرآنی «صلاه»، *مطالعات قرآنی: علوم قرآن و حدیث*، شماره ۸۶.
۳۱. موسوی، سیدمحسن و علینژاد، حجت (۱۳۹۶)، «پژوهشی پیرامون نخستین آیات نازل شده بر پیامبر» *نشریه احسن الحدیث*، شماره ۳.
۳۲. نکونام، جعفر (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*، تهران: هستی نما.
۳۳. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۲۹ق)، *مستدرک الوسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۳۴. واحدی، علی ابن احمد (۱۴۱۱ق)، *اسباب النزول قرآن*، بیروت: دارکتب العلمیه.